



«الرَّيْحُ الْعَقِيمُ»، باد نابارور

(شرح چند آیه در سوره ذاریات)

بهرام گرامی

چکیده

در بسیاری از ترجمه‌ها و تفسیرهای فارسی و انگلیسی و حتی تفسیرهای عربی قرآن کریم، عبارت «الرَّيْحُ الْعَقِيمُ» در آیه ۴۱ از سوره ۵۱ (ذاریات) به معنای باد ویرانگر یا مُخْرَب یا نظیر آن آمده است، درحالی که واژه عقیم در این آیه، مانند دیگر موارد در قرآن کریم، به معنای سترون بوده و چنین باد که عاری از ذرات یا دانه‌های گرده باشد مانع از باروری و تجدید حیات گیاهان و در نتیجه سبب از میان رفتن مردمان می‌شود. معنا و شرح جدید چهار آیه آغازین سوره ذاریات، و نیز نام سوره، همه در تأیید همین معناست.

کلیدواژه‌ها: ریح، عقیم، باد، لقاح، ذاریات.

واژه عقیم چهار بار با معانی مشابه و نزدیک به هم - بی‌ثمر، سترون، نازا و نابارور - به شرح زیر در قرآن کریم آمده است:

* آیه ۵۵ از سوره ۲۲ (حج)

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ عَقِيمٍ﴾
و کافران همواره از آن در شک هستند تا ناگاه قیامت برای آنان فرا رسد یا عذاب روز بی‌ثمر به سراغشان آید.

□ ۲۵ الريح العقيم: باد ناباور

شرح: «عَذَابُ يَوْمِ عَقِيمٍ» را غالباً به عذاب روز بدفرجام^۱ یا روز سهمگین^۲ یا روزی که قادر بر جبران آن نیستند^۳ معنا کرده‌اند، در حالی که مقصود از روز عقیم روز بی‌ثمر و بی‌پاداش برای کافران است، همچنان که بلافاصله در آیه بعد، آیه ۵۶ از سوره ۲۲ (حج)، وعده باغ‌های پُر نعمت به اهل ایمان داده می‌شود: «الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» - در آن روز فرمانروایی از آن خداست که میان آنان داوری می‌کند، پس کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند جایشان در باغهای پُر نعمت بهشت خواهد بود.

* آیه ۵۰ از سوره ۴۲ (شوری)

﴿أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثَاءً وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾

یا به آنان هم پسر و هم دختر می‌دهد و هر که را بخواهد عقیم و نازا می‌گذارد، او دانای تواناست.

* آیه ۲۹ از سوره ۵۱ (ذاریات)

﴿فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَوةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾

آنگاه زنش با فریادی از شگفتی جلو آمد و دستی به صورت (پُرچین) خود زد و گفت پیرزنی نازا؟ (چگونه بزاید؟)
چهارمین آیه با واژه عقیم موضوع این مقاله است:

* آیه ۴۱ از سوره ۵۱ (ذاریات)

﴿وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾

و در ماجرای عاد، آنگاه بر آنان بادی عقیم فرستادیم.

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران و قم، ۱۳۷۳.

۲. قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۷۹.

۳. قرآن مجید، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.

شرح: با آنکه در این آیه نیز واژه عقیم به همان معنا سترون و نابارور است، بسیاری از مترجمان و مفسران آن را در فارسی مُهلک^۱ و بی باران^۲ و در انگلیسی برابر با ویرانگر و مخرب یا شدید و خشمگین^{۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰} معنا کرده‌اند، درحالی که اگر نابودی قوم عاد با باد ویرانگر مقصود بود، مانند آیه ۶ از سوره ۶۹ (حاقه)، آیه ۱۶ از سوره ۴۱ (فصلت یا حاء میم) و آیه ۱۹ از سوره ۵۴ (قمر)، شاید از واژه صرصر به معنای باد سخت و سرد استفاده می‌شد. بعضی نیز عقیم را در این آیه به درستی همان سترون و بی‌ثمر و نازا در فارسی^{۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴} یا انگلیسی^{۱۵، ۱۶} ترجمه کرده‌اند. اما ترجمه درست واژه لزوماً با شرح و دریافت صحیح از آن همراه نبوده است. از جمله، این تفسیر دور از ذهن برای ترجمه

۱. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

۲. قرآن مجید، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

3. The Holy Koran Interpreted, Translation by S. V. Mir Ahmed Ali and Edited by Yasin T. al-Jibouri. First US Edition 2005, United Moslim Foundation, Lake Mary, FL, USA.

4. The Holy Quran, Translation and Commentary by Maulana Muhammad Ali, 1995, Ahmadiyyah Anjuman Isha'at Islam Lahore, Inc., Columbus, OH, USA. (First Edition in 1917, Second Edition in 1951, Sixth Edition 1973.)

5. The Quran: A new Interpretation, Textual Exegesis by Muhammad Baqir Behbudi, Translation by Colin Turner, 1997, Curzon Press, Surrey, UK.

6. A Comprehensive Commentary on The Quran, Comprising Sale's translation and preliminary discourse, with additional notes and emendations by The Rev. E. M. Wherry, 1896, Kegan Paul, Trench, Trubner & Co. Ltd., London, UK.

7. The Holy Quran: Text, Translation and Commentary, by Abdullah Yusuf Ali, 1946, Publications of Presidency of Islamic Courts & Affairs, State of Qatar. (Published in 1995 as 7th Edition by Amana Publications, Beltsville, MD, USA, and published in 1983 by Sh. Muhammad Ashraf, Lahore, Pakistan. This is also printed and distributed in 1993 as a gift from the Custodian of the Two Holy Mosques King Fahd Ibn Abdul-Aziz.)

8. The Holy Quran. Translation and Commentary by Zohurul Hoque, 2000, Holy Quran Publishing Project, Centerville, OH, USA.

9. The Koran Interpreted, by Arthur J. Arberry, 1955, George Allen & Unwin Ltd., London and the Macmillan Co., New York.

10. The Meaning of the Glorious Quran, Text and Explanatory Translation by Muhammad (Marmaduke) Pickthall, Revised and Edited by Arafat K. El-Ashi, 2001, Amana Publications, Beltsville, MD, USA. (Published in 1909 by Everyman's Library, in 1930 by Alfred A. Knopf, New York, in 1971 by Dar Al-Kitab Allubnani, Beirut, in 1977 by Muslim World League – Rabita, Mecca, Saudi Arabia, and in 1992 by Alfred A. Knopf, New York.)

۱۱. قرآن کریم، ترجمه علی موسوی گرمارودی، قدیانی، تهران، ج ۲، ۱۳۸۴.

۱۲. القرآن الکریم، ترجمه جلال‌الدین فارسی، انجمن کتاب، تهران، ۱۳۶۹.

۱۳. القرآن الکریم، با ترجمه و توضیح سید جلال‌الدین مجتوی، حکمت، تهران، ۱۳۷۱.

۱۴. قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، سروش، تهران، ج ۴، ۱۳۷۴.

15. The Quran with an English Paraphrase, translated by Ali Quli Qarai, The Centre for Translation of the Holy Quran, Qum, 2003.

16. The Koran, translated by Mohamed Ahmed and Samira Ahmed.

(http://www.studyquran.co.uk/MSAhmed_Koran_translation.htm)

□ ۲۷ الريح العقيم: باد نابارور

عبارت الريح العقيم به باد سترون آمده است: ^۱ «قوم عاد امیدوار بودند که باد می‌وزد و بر فراز دشت‌ها و مزارع آنان ابر می‌آورد و از ابر باران فرومی‌ریزد که چشم به راهش بودند و کشتزار غلات آنان را آبیاری می‌کند. حال آنکه به جای آن هیچ ابر و بارانی به دنبال نداشت و بدل به توفانی شد که آن قوم و خان‌ومانشان را نابود کرد. به این دلیل، در قرآن به آن باد سترون گفته شده، چرا که بادی بود که هیچ هوده ای نداشت.» در مورد این تفسیر و نظایر آن، که چندان هم کم نیستند، بسیار می‌توان گفت: اولاً صفت عقیم یا سترون به معنای بی‌باران نیست، ثانیاً اگر می‌بود، سترونی یا بی‌بارانی برای ابر مناسب‌تر است تا برای باد، همچنان که سنایی می‌گوید:

شود ز بیم تولرزان زمین و ابر عقیم

شود ز خلق تو چون مُشک و عنبر آتش و آب

ثالثاً در هیچ یک از آیه‌های قبل در این سوره وعده باران داده نشده است، رابعاً جابه‌جایی ابر لزوماً سبب بارش نمی‌شود، بسا ابری بارانزا که در جای جدید نبارد. از این‌رو، تعبیر باد عقیم به بادی که سبب باران نمی‌شود موجه و مقبول نیست. در آیه مورد بحث، آیه ۴۱ از سوره ۵۱ (ذاریات)، الريح العقيم یا باد عقیم به نظر این نگارنده، برخلاف دیگر بادها که معمولاً و تقریباً همیشه حامل دانه‌های گرده بوده و به این اعتبار بارور و بارورکننده هستند، به معنای باد نابارور یا عاری از دانه گرده است که بر قوم عاد می‌وزد و مطابق با آیه بلافصل آن (آیه ۴۲)، «مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ» از هر چه می‌گذشت آن را می‌پوساند و از میان می‌برد. در معجم مقاییس اللغة^۲ و لسان العرب^۳ و المنجد، الريح العقيم با دو معنای «بادی که نه ابر آورد» و «نه باردار کند درخت را» آمده است. در مورد معنای نخست، همان‌طور که اشاره شد، باد حتی اگر سبب جا به جایی ابر هم شود، موجب بارانزایی آن نمی‌شود، ولی مطابق با معنای دوم، گلها و گیاهانی که بارور نشوند، نه ثمری به دست می‌دهند و نه نسلشان بقا

۱. ترجمه پژوهی قرآنی، نوشته حسین عبدالرئوف (بخش سیزدهم)، ترجمه و تحریر بهاء‌الدین خرمشاهی، ترجمان وحی، ۱۳۸۹، شماره ۲۸، صفحه ۱۱۰.

۲. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الإسلامی، قم، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۶.

۳. لسان العرب، دار احیاء التراث العربی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۸ هجری، طبعه جدیدة محققة، ج ۹، صفحه ۳۳۲-۳.

می‌یابد،^۱ با سه بیت شاهد از خاقانی، سیف فرغانی و مجیرالدین بیلقانی در تأیید معنای باد نابارور یا سترون برای عبارت **الرِّيحَ الْعَقِيمَ**:

طفل مشیمه رزان، بکر مشاطه خزان حامله بهار از آن باد عقیم آذری

مشیمه = کیسه جنینی. طفل مشیمه رزان = دختر رز یا شراب. بکر مشاطه خزان = دوشیزه آرایشگر خزان. باد عقیم آذری = باد آذرماه که بارورکننده گلها نیست. [با آنکه باد پاییزی حامل دانه گرده نیست و از این رو عقیم و نازاست، آبستنی تاک و پرباری انگور از باد بارور بهاری است.]

هردلی کز نفع صور عشق او جانی نیافت اندرو انفاس روح الله شود ریح العقیم

نفع = دمیدن. صور = شیپور. انفاس روح الله = نفس جانبخش عیسی مسیح. [دلی که به عشق او زنده نباشد، دم عیسی هم در او بی اثر یا بی حاصل خواهد بود.]^۲

تا طبع من ز مادر روح القدس بزاد ریح العقیم شد سخن طبع ابترش

ابتر = ناتمام، آن که فرزند پسر ندارد. [با طبع خداداد من، طبع او خشک شد.]
آیه زیر را می‌توان تأییدی بر معنای نابارورکننده برای واژه عقیم در آیه ۴۱ از سوره ۵۱ (ذاریات) دانست:^۳

* آیه ۲۲ از سوره ۱۵ (حجر)

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوْفِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ﴾

و بادهای بارورکننده فرستادیم و از آسمان آبی فرو فرستادیم، آنگاه شما را بدان سیراب کردیم و شما خزانه‌دار آن نیستید.

۱. در چرخه حیات و زنجیره نیاز موجودات به یکدیگر، با نبودن گیاه سبز، جانوران و انسان هم وجود نخواهند داشت، زیرا جانوران گوشتخوار مآلاً از جانوران علفخوار تغذیه می‌کنند.

۲. بیتی دیگر از خاقانی:

ز یک نفعه روح عدلش چو مریم عقیم خزان بکر نیشان نماید

نفعه روح = دمیدن روح (به آستین مریم). عقیم خزان = خزانی که نازاست و شکوفه و گل نمی‌آورد. نیشان = نام ماه رومی برابر با آوریل. بکر نیشان = دوشیزه بهار. [اگر او بخواهد، خزان نازا را به بهار بارور تبدیل می‌کند.] (فرهنگ لغات و تعبيرات دیوان خاقانی، سید ضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۴، دو جلد، صفحه ۱۰۷۷)

۳. با امتنان از استاد بهاءالدین خرّمشاهی برای یادآوری این آیه در تأیید نظر نگارنده.

□ ۲۹ الريح العقيم: باد نابارور

شرح: در قرآن کریم، باد آیت الهی است و وزش آن بی‌هدف و از وقایع عادی نیست، بلکه همیشه با قصد و اراده خداوند است. در آیه بالا، لواقع جمع لاقحه صفت تلقیح‌کننده یا بارورکننده برای باد به بارورکنندگی گیاهان نظر دارد،^۱ ولی چون متعاقب آن از باران سخن می‌رود، توجه بسیاری از کسان، حتی فرهنگ‌نویسان عرب زبان را به بارور گردیدن ابر و بارانزا شدن آن معطوف کرده است.^{۲،۳} این عطف توجه تا بدان حد بوده که در فرهنگ عربی / فارسی^۳، ریح لواقع به «بادهای بارانزا، بادهایی که با وزش خود باران در پی دارند» معنا شده است و این خود نمونه‌ای بارز و پرنظیر از آن است که برخی مصنفان و مؤلفان بدون تأمل یا درک و دریافت شخصی، بازگوکننده گفته‌ها و نوشته‌های دیگران هستند.^۴ بیت زیر از طبیب اصفهانی (متوفی سال ۱۱۶۸ هجری قمری) ناظر بر آیه بالاست و به بارورکنندگی گیاهان توسط باد صراحت دارد:

به امرتو دوشیزگان چمن را ریح لواقع نماید حوامل

حوامل = حامله‌ها.

به علاوه، آیه زیر نیز که از همین سوره ذاریات است با آیه مورد بحث ما و موضوع آمیزش بین گیاهان نر و ماده یا گلهای نر و ماده ارتباط مستقیم دارد:

* آیه ۴۹ از سوره ۵۱ (ذاریات)

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

و هر چیز را در زوج‌ها (نر و ماده) آفریدیم، باشد که عبرت گیرید.
با بیتی از مولوی:

حق زهر جنسی چو زوجین آفرید پس نتایج شد ز جمعیت پدید

و اما آنچه معنا و شرح عبارت ریح العقیم را، به صورتی که در بالا اشاره شد، برجسته‌تر می‌کند و به آن اهمیت و قوت بیشتری می‌بخشد، نام سوره ذاریات و چهار آیه

۱. لسان العرب، دار احیاء التراث العربی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۸ هجری، طبعه جدیدة محققة، ج ۱۲، صفحه ۳۰۷-۱۱.

۲. برای معنای دوم، نک: حسن المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، مدخل «ل ق ح».

۳. عبدالنبی قیم، فرهنگ معاصر عربی فارسی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱.

۴. به دو مورد دیگر از این دست اشاره می‌کنم که، برخلاف مضمون هزاران بیت شعر فارسی، در قرآن کریم نه طوبی نام درخت است و نه در داستان یوسف و زلیخا از ترنج نام برده شده است.

نخستین آن است. آیه‌های ۱ تا ۴ سوره ذاریات سوگند چهارگانه ای را تشکیل می‌دهند:^{۱، ۲}

﴿وَالذَّرِيَّتِ دَرُورًا ﴿۱﴾ فَالْحَمَلِكِ وَفُرًّا ﴿۲﴾ فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا ﴿۳﴾ فَالْمُقَسَّمَتِ أَمْرًا ﴿۴﴾﴾

سوگند به آنها (بادهایی) که پراکنده می‌کنند ذره‌ها را. (۱) و حمل می‌کنند ذره‌های گران‌قدر را. (۲) و سبکبار سیر می‌کنند. (۳) و تقسیم می‌کنند آنچه را باید. (۴)

«ده‌ها» ترجمه و تفسیر کاملاً مشابه از چهار آیه بالا را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود: سوگند به بادهایی که ذرات را می‌پراکنند و ابرها را به حرکت درمی‌آورند. (۱) و ابرهایی که بار سنگین باران را حمل می‌کنند. (۲) و کشتی‌هایی که به آسانی در دریاها سیر می‌کنند. (۳) و فرشتگانی که امر خدا و کارها را تقسیم می‌کنند. (۴) جای شگفتی است که تقریباً همه مترجمان و مفسران در ترجمه این چهار آیه از واژه‌هایی چون ابر، باران، کشتی، دریا و فرشته نام برده‌اند که کمترین اثر و نشانه‌ای از آنها در این چهار آیه دیده نمی‌شود. مشکل بتوان شباهت تام و تمام این تعداد ترجمه را تصادفی و کار مترجمان را مستقل از هم دانست. حتی در تفسیر المیزان هم آمده که سه آیه نخست تدابیر همه امور عالم اعم از خشکی، دریا و فضا و بقیه زوایای عالم را در بر می‌گیرد و در آیه چهارم ملائکه که واسطه‌های تدبیر هستند اوامر خدای تعالی را تقسیم می‌کنند. در تفسیر المیزان از تفسیر فخر رازی نقل شده که هر چهار آیه را حمل کنیم بر همان بادها، چون بادها هم ذاریاتند و خاک را بالا می‌برند، و هم حاملاتند چون به باران‌ها آبستند، و هم جاریاتند که

۱. واژه ذاریات، به معنای پراکنده کنندگان، فقط یک بار در نخستین آیه از این سوره آمده است. این سوره با چهار سوگند به نشانه صدق وعده الهی در برپایی قیامت آغاز می‌شود. از صدر اسلام معنای این سوگندها مورد مناقشه بوده و گاه برای آموختن دانش خلفای نخستین، از آنان درباره مفاد این سوگندها پرسش می‌شده است. طبری به تفصیل نقل کرده که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در پاسخ فردی که از معنای واژه‌های چهار آیه اول سوره ذاریات سؤال کرده بود، فرمودند که: «ذاریات» بادها، «حاملات» ابرها، «جاریات» کشتی‌ها و «مقسّمات» فرشتگان‌اند.

(ابوجعفر محمدبن جریر الطبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۱۵ تا ۱۱۷).
۲. آیات بعدی در این سوره شامل وعده عذاب به منکران معاد (۷ تا ۱۴)، بیان ویژگیهای پرهیزکاران (۱۵ تا ۱۹)، نشانه‌های الهی و رزق آدمیان (۲۰ تا ۲۳)، مهمان شدن فرشتگان بر ابراهیم و تولد فرزند او (۲۴ تا ۳۰)، داستانهای موسی، لوط، نوح، عاد و ثمود و عذاب الهی بر آنان (۳۱ تا ۴۶) و بار دیگر نشانه‌های قدرت خدا و بازگشت به سوی او (از ۴۷ به بعد) است.

الريح العقيم: باد نابارور □ ۳۱

به سهولت در فضا جریان دارند، و هم مقسماتند برای اینکه ابرها را در بین اقطار مختلف زمین تقسیم می‌کنند.^۱

چهار آیه آغاز سوره ذاریات را می‌توان چنین شرح کرد:

- ۱) سوگند به (بادهایی) که ذره‌ها یا دانه‌های گرده را در فضا پراکنده می‌کنند.
 - ۲) و این ذره‌های گرانقدر را که سبب باروری گیاهان و تجدید حیات آنها می‌شود حمل می‌کنند.
 - ۳) و ملایم و سبک‌بار به هر سو می‌وزند و جریان دارند.
 - ۴) و این ذره‌ها یا دانه‌های گرده را آن‌طور که باید و مقدر است تقسیم می‌کنند؛ یعنی دانه‌های گرده هر نوع گل را بر روی همان نوع گل قرار می‌دهند.
- در اهمیت این ذرات و پراکندن و قرار دادن آنها در جای خود همین کافی است که این سوره ذاریات نامیده شده است.

■

۱. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.